

سرمایه، قوام بخشی چرخه های تولید سود و تخریبات زیست محیطی، سرمایه در مصرف مواد خام رکوردهای جدید

### میزند

انیستیتو های سرمایه، اندیشمندان محیط زیستی، مدیران و برنامه ریزان دولتی گاه بگاه از کاهش منابع و ذخیره های غذایی زمین می گویند و از روند نابودی این منابع گزارش می دهند. موضوع چیست!! آیا اینان آن طور که وانمود می کنند به سرنوشت بشر فکر می کنند و یا نگران و دلسوز چرخه گردش و انباشت سرمایه اند. چنان که در ادامه می آید همه این موارد محتمل است اما یک مورد اصلا صحت ندارد و آن «سرنوشت بشر» است که تنها عوام فریبی متعارف و روزانه سینه چاکان این روابط تولیدی است! اگر در این ادعا ذره ای حقیقت وجود داشت سرمایه داری در طول تاریخ چند صد ساله خود نه تنها منابع را چنین سبعمانه و لجام گسیخته غارت نمی کرد، انسان را چنین وحشیانه استثمار نمی نمود، محیط زندگی او و گونه های گیاهی و جانوری را با سرعتی بی سابقه از بین نمی برد. شالوده هستی سرمایه قربانی کردن انسان در پیشگاه سود است، وقتی در روند کار و تولید انسان را از کارش، محصول کارش بیگانه می کند قرار نیست و نبوده که به طبیعت، جانوران و محیط زیستشان رحم کند. در گزارش های نامبرده همه جا از «انسان» بعنوان عامل اصلی تخریبات محیط زیستی نام برده می شود. برای یک کارگر با کمترین آگاهی طبقاتی مثل روز روشن است که این انسانی که از آن بعنوان مسبب نام برده می شود چندین ده هزار سال سابقه زندگی در کره ارض دارد حال چگونه است همین انسان در طول حدود ۱۵۰ سال از عمر سرمایه داری صنعتی ناگهان مخرب همین طبیعت و محیط زندگی خود گردیده است. ناگفته پیداست که سرمایه همواره دارای تشخیص است، سرمایه دار چه در شکل فردی و چه در فرم دولتی، سهام داری و تعاونی سرمایه تشخیص یافته است. اندیشوران این نظام همواره سعی دارند آن را راز گونه و فاقد هویت طبقاتی جلوه دهند. عوام فریبی موسسات تحقیقاتی سرمایه، روزنامه ها و حتی در بسیاری موارد پژوهش گران در گمراهی پردازی و آدرس جعلی دادن از تخریبات محیط زیست و طبیعت هر روز لجام گسیخته تر می گردد! حرف دولتمردان سرمایه، اندیشکده های محیط زیستی رنگارنگ آن ها نه از کمبود اطلاع از عوامل و علل تخریبات محیط زیستی بلکه مساله دیگری است که به اندازه طول زمان روابط تولیدی سرمایه داری عمر دارد. این که کلید زندگی بشر، روزی رسان و ضامن هستی انسان، سرمایه است و قرار نبوده و نیست که این روابط مورد سوال و گفتگو قرار گیرد. بنمایه این پیام و کارکرد قهری سرمایه نیز بسیار صریح و روشن است. اینکه کارگران، فروشنده نیروی کارند، حق هیچ دخالتی در سرنوشت کار و تولید، چه باید تولید گردد و چه چیز نباید تولید گردد و چگونه تولید شود، ندارند، فقط سرمایه است که تصمیم می گیرد و اساس تصمیم سرمایه هر چه هست چون «مشیت الهی»!! باید پذیرفته شود. آنها مزورانه کتمان می کنند که انسان مرود بحث در اینجا صرفا سرمایه دار است! در این جا باید بر این امر تاکید کرد که تولید سرمایه داری اساسا تولید وسائل معاش و مایحتاج زندگی بشر نیست، رفاه و بی نیازی انسان ها هیچ محلی در این روابط ندارند. سرمایه داری شیوه تولید سرمایه است. عظیم ترین بخش آنچه تولید می کند سرمایه است و به صورت سرمایه پیش ریز می شود. تمامی مکانیسم های اندرونی آن بسیج هستند تا از همه راههای ممکن قدرت بارآوری کار را افزایش دهند، با حداقل نیروی کار حداکثر سرمایه را تولید نمایند، بحران های سرمایه داری نیز دقیقا از این جا، از ژرفنای همین روند می جوشد، روند تولید افراطی سرمایه و بالارفتن قهری ترکیب آلی سرمایه که پیشی گرفتن نرخ انباشت از نرخ تولید اضافه ارزش، سیر نزولی نرخ سود و بالاخره طغیان بحران را قهری و گریزناپذیر می سازد. از آن جا که تولید سرمایه داری، تولید ارزش اضافی، افزایش افراطی اضافه ارزش از طریق سنگین سازی بی مهار کفه کار اضافی به زیان کار لازم، تبدیل اضافه ارزش ها به سرمایه الحاقی، خودافزایی سرطانی سرمایه و انباشت انفجاری جهان از سرمایه است. هر چه سرمایه انبوه تر انباشت می شود نیاز آن به اجزای اصلی اش یعنی وسائل کار، ماشین آلات و مواد خام و کمکی افزایشی نجومی تر می یابد. آن چه در این متون دنبال می شود جوهر و ریشه اصلی تخریبات محیط زیستی است که از ذات این روند تولید و همین نکته آخر بر می خیزد. علاوه بر این سرمایه داری تاریحا در جهت کاهش هزینه های تولید به همان سیاق که با افزایش بدون وقفه بارآوری کار، از کمترین شمار کارگران، بیشترین

حجم کالاها را تولید و انبوه ترین سودها را به چنگ می آرد، همان گونه که مستمرا در مصرف کار زنده صرفه جوئی می کند و میزان نسبی آن را تنزل می دهد، می کوشد تا در هزینه سرمایه ثابت نیز صرفه جوئی نماید، بهای تشکیل آن را پائین آرد، از این کاهش برای انباشت وسیع تر و پیش ریز کلان تر استفاده کند. پویه ارزش افزائی سرمایه تاریخا با تلاش قهری آن برای تنزل هزینه تشکیل کار مرده (سرمایه ثابت) از سوی دیگر عجین و غیر قابل تفکیک بوده و این ریشه اصلی فرار سرمایه از هزینه کردن پیشیزی برای عواقب تخریبات محیط زیستی است. سیاستمداران و مدیران سرمایه وانمود می کنند که اگر چنین و چنان برنامه هایی در کنار تولید انبوه در نظر گرفته شود فجایع محیط زیستی قابل کنترل و هدایت است!! چنین چیزی جز سراب بافی برای کارگران و تبلیغات مدیران سرمایه جایی ندارد. در دنیایی که با هر گام افزایش بارآوری کار نرخ سود به سقوط بیشتری تهدید می شود سخن گفتن از هزینه های جبران تخریبات محیط زیستی بیهوده گویی محض است. توضیح کوتاه این که، نرخ اضافه ارزش تولید شده توسط کارگران حاصل تقسیم اضافه ارزش بر جزء متغیر سرمایه (همان دستمزد پرداختی به کارگران) است، نرخ سود خارج قسمت اضافه ارزش تولید شده توسط کارگران به کل سرمایه اعم از ثابت و متغیر می باشد. بر همین اساس هر چه سرمایه ثابت به کار افتاده توسط شمار معین کارگران بالاتر می رود، نرخ سود روند افت می پیماید. به بیان دیگر سیر صعودی ترکیب ارگانیک سرمایه با روند نزولی نرخ سود عجین است. این هیچ و مطلقاً هیچ جایی و امکانی جهت هزینه کردن ریالی برای محیط زیست انسان و حفاظت از طبیعت از جانب سرمایه، مدیران سرمایه دار و دولت آن ها باقی نمی گذارد.

موضوع این نقد گزارشات "چشم انداز جهانی زمین" (Global Landscape) که برای پنج سال در دست تهیه بوده، و این موضوعی را بررسی می کند که جهان سرمایه چگونه منابع زمین مثل خاک، آب و تنوع زیستی را مدیریت می کند. دبیر اجرایی کنوانسیون مبارزه با بیابانزایی سازمان ملل (یو ان سی سی دی UN Convention to Combat Desertification (UNCCD)، می گوید: "نمی توانیم زمین را یک چیز بدیهی فرض کنیم." در ژانویه 2020 در مجمع جهانی اقتصاد در داووس گزارش شد که نشان می داد جهان سرمایه در مصرف سالانه مواد خام رکورد زده است: بر اساس این گزارش، ۱۰۰.۶ میلیارد تن مواد خام در ۲۰۱۷ آخرین سالی که برای آن داده های مربوطه وجود داشته است. نیمی از مجموع این مواد خام را شن و ماسه، خاک رس و سیمان برای ساخت ساختمان ها، تاسیسات، کارخانه ها، جاده، بنادر، فرودگاه ها و غیره مصرف می شود و مواد دیگر برای تولید کود تشکیل می دهند. زغال سنگ، نفت و گاز ۱۵ درصد مجموع مواد مصرفی و کانی های فلزی نیز ۱۰ درصد آن را شکل داده اند. ۲۵ درصد مابقی هم گیاهان و درختانی است که برای سوخت و تولید کالاهای کشاورزی استفاده می شوند. بیشترین سهم در مصرف سرمایه ای این مواد را حوزه ساختمان سازی سرمایه دارد: ۴۰ درصد کل مجموع. برای تولیدات کشاورزی و دامی، حمل و نقل، بهداشت، ارتباطات و کالاهای نهایی برای مصرف کنندگان غیر سرمایه ای همچون پوشاک و لوازم منزل دیگر صنایع پر مصرف را تشکیل می دهند. از میان مواد مصرف شده در هر سال، یک سوم (برای نمونه در خودروها یا ساختمان ها) در چرخه استفاده قرار دارند. اما ۱۵ درصد مجموع این مواد به شکل گازهای گلخانه ای در جو آزاد و ۲۵ درصد آن نیز (از جمله پلاستیک های ریخته شده به دریاها و رودها) به شکل زباله به محیط زیست وارد می شوند. یک سوم این مواد نیز به عنوان زباله غیر بازیافتی دفن می شود. تنها ۸.۶ درصد این مواد بازیافت می شوند. بطور کلی دو نوع منابع طبیعی مواد اولیه و کمکی برای تولید سرمایه وجود دارد: تجدیدپذیر و غیر قابل تجدید. اولی مانند تابش خورشیدی پایان ناپذیر هستند یا تجدید آنها نسبتاً سریع است، همانطور که در زندگی انسان صورت می گیرد منابع تجدید ناپذیر منابعی هستند که به صورت محدود در طبیعت وجود دارند، زیرا باز آفرینی آنها مستلزم گذشت سالیان متمادی است، مانند مواد معدنی و سوخت های فسیلی (نفت، گاز طبیعی و زغال سنگ). طبق محاسبات شبکه جهانی ردپا (گلوبال فوت پرینت)، سازمانی که از سال ۱۹۷۱ در حال تحقیق در مورد چگونگی مدیریت محدودیت های طبیعی زمین است، هر سال تاریخ ورود ما به تنگناها و تضییقات حاد اکولوژیکی زودتر و زودتر می شود. همین مطالعه همچنین نشان می دهد که جهان به ۱.۷۵ سیاره احتیاج دارد تا خواسته های سرمایه جهانی را برآورده کند. میزان مصرف مواد اولیه و کمکی در اقتصاد سرمایه داری جهانی از دهه ۱۹۷۰ به این سو چهار برابر شده. رشد جمعیت اما در این مدت تنها دو برابر بوده است. سال میلادی (۲۰۱۹) «روز تخطی زمین» اعلام شد. روز تخطی زمین نامی است برای روزی که تمام

منابع قابل احیا برای مصرف یک سال در آن به پایان می‌رسد. با این وجود، مصرف در سرتاسر جهان یکسان نیست و کشورهای توسعه یافته سرمایه داری با مصرف سرمایه ای بالا به مراتب از سرمایه داری های دیگر با ترکیب ارگانیک پایین تر سرمایه، مصرف بالاتری دارند. برای نمونه، متوسط مصرف سرمایه ای آمریکای شمالی پنج برابر سرمایه اجتماعی مکزیک، ۱۰ برابر سرمایه اجتماعی چین و ۳۰ برابر سرمایه اجتماعی هند است. اگر تمام جهان سرمایه شبیه سرمایه اجتماعی آمریکا تولید و انباشت می‌کرد، به ۵ سیاره زمین برای تأمین مصرفی سرمایه نیاز بود. این عدد برای استرالیا ۴.۱، برای روسیه ۳.۲، برای آلمان ۳ و برای هند تنها ۰.۷ است. ناگفته پیداست که چنین مقایسه ای در جهان سرمایه که در بالاترین میزان مبادلات تجاری قرار دارند، بخش مهمی از کالاها اعم از سرمایه ای یا مصرف شخصی در مکان های جغرافیایی دیگری تولید می‌گردند در حالی که مصرف سرمایه ای و شخصی آن ها در مکانی دیگر صورت می‌گیرد، لذا می‌بایست کلیت جهان سرمایه با هستری تولید و انباشت سرمایه را در رابطه با مصرف مواد خام همچنان که در سایر تولیدات در نظر داشت. تولید سرمایه و روند انباشت آن هم اکنون آغاز ششمین عصر از انقراض انبوه جانوران و تخریب زیست بوم های طبیعی آنها شده است. این در حالی است که درست یکسال بعد کارشناسان شبکه جهانی "فوت‌پرینت" اعلام کردند که روز ۲۹ ژانویه ۲۰۲۱ «انسان» به سقف استقاده حداکثری از منابع طبیعی کره زمین رسیده است. این بدین معنی است که بقیه زمان باقی مانده سال تولید و انباشت سرمایه در جهان به مصرف منابع طبیعی بسیار بیش از ۱۰۰ میلیارد تن مواد خام خواهد رسید. شبکه "فوت‌پرینت"، هر سال یک روز را به عنوان عبور از سقف حداکثری استفاده از منابع طبیعی آن سال اعلام می‌کند؛ منابعی که به مصرف شهرسازی، تولید کالاهای کشاورزی و مصارف صنعتی شده باشد. رسیدن به چنین روزی به این معناست که از آن روز به بعد مصرف منابع طبیعی توسط سرمایه از ظرفیت و توانایی زمین برای بازسازی این منابع بیش‌تر خواهد شد. در سال ۲۰۲۰ به دلیل پاندمی کرونا و رکود نسبی تولید سرمایه داری منابع کم تری مصرف کرد. اما در سال میلادی ۲۰۲۱ بر اساس ارزیابی‌های سازمان ملل، استفاده از منابع طبیعی بسیار بیش از دوران قبل از کرونا شد. رهبران جهان سرمایه هفته دوم آگوست ۲۰۲۲ برای گفت‌وگوهای بیشتر برای نجات اقیانوس‌ها (در واقع تقسیم و باز تقسیم منابع سرمایه ای اقیانوس‌ها) در نیویورک دیدار کردند. مذاکره بر سر پیش‌نویس «معاهده دریا‌های آزاد سازمان ملل» برای ده سال در جریان بوده اما هنوز امضا نشده است. اگر این توافق نهایی می‌شد ۳۰ درصد اقیانوس‌های جهان تا سال ۲۰۳۰ تحت پوشش مناطق حفاظت شده درمی‌آمد که ظاهراً در برابر صید بی‌رویه ماهی‌ها و سایر فعالیت‌های مخرب سرمایه ای از دریاها محافظت شود!! دو سوم اقیانوس‌های جهان در حال حاضر آب‌های بین‌المللی محسوب می‌شوند، که به معنی آن است که کشورها حق ماهیگیری، کشتیرانی و تحقیقات جهت بهره‌برداری سرمایه ای در آنها را دارند. اما فقط ۱.۲ درصد آن تحت حفاظت است. براساس تحقیقات «آزمایشگاه دریایی پلیموت» تخمین زده می‌شود که اکوسیستم‌های دریایی زمین بیش از ۴۱ تریلیون دلار (حدود یک سوم تولید ناخالص جهانی) ارزش اقتصادی دارند. به این ترتیب هیچ دولت سرمایه حتی ضعیف ترین آن قادر نیست از سهم خود بگذرد!! بهمین دلیل پنجمین نشست برای رسیدن به توافقی جهانی برای حفاظت از اقیانوس‌ها و آبریزان ناکام ماند. جولای سال ۲۰۲۳ سازمان بستر آب‌های بین‌المللی، نهادی بین‌دولتی که در ده سال گذشته تلاش کرده‌اند قوانینی را خارج از حوزه قضایی ملی کشورها برای استخراج معادن در بستر دریا به تصویب برسانند، اما تاکنون موفق به توافق بر سر تصویب قوانین نشده‌اند. این قوانین استخراج نیکل، کبالت و مس را در عمق بستر دریا که خارج از حوزه‌های ملی کشورها است، امکان‌پذیر می‌سازد. کشور های کوچک و از نظر سرمایه ای ضعیف نظیر جمهوری نانورو، کشوری کوچک در منطقه میکرونزی قاره اقیانوسیه و در اقیانوس آرام جنوبی و یا کشور های دریای کارائیب شامل هشت کشور کوچک و هم چنین جامائیکا در مناطقی قرار دارند که مخازن بزرگی از کانی های ذکر شده در بستر دریاها ی آن ها است. استخراج معادن در بستر دریاها تخریب زیستگاه موجودات را به همراه دارد. علاوه بر این زیستگاه‌های موجوداتی که هنوز ناشناخته‌اند را از بین می‌برد. این استخراج‌ها همچنین با از بین بردن پوشش گیاهی ظرفیت اقیانوس‌ها در جذب دی‌اکسید کربن ساطع شده بر اثر فعالیت‌های سرمایه ای را تحت تاثیر قرار داده و همچنین آلودگی صوتی آن می‌تواند ارتباطات گونه‌هایی مانند نهنگ‌ها را مختل کند. فعالان محیط زیستی حفاظت از اقیانوس به جد نگران چراغ سبز احتمالی این سازمان برای بهره‌برداری صنعتی از معادن بستر دریا‌های آزاد هستند. این نه آغاز و نه پایان تهاجم سرمایه به محیط زیست انسان و جانداران است بلکه برگه ای از تاریخ ضد بشری و طبیعت کش این روابط تولیدی است. سازمان ملل نهم سپتامبر ۲۰۲۳ اعلام کرد : هر

سال بیش از شش میلیارد تن شن و ماسه از کف اقیانوس‌های دنیا بیرون کشیده می‌شود که اثر بسیار مخربی بر گونه‌های گیاهی و جانوری، تعادل زیست بوم و زندگی مردمان ساحل‌نشین دارد. برنامه محیط‌زیستی سازمان ملل (یونپ) با انتشار این یافته‌ها هشدار داد که باید با مقررات و نظارت بین‌المللی جلوی کف‌روبی شن و ماسه دریاها در ابعاد کنونی گرفته شود چرا که این روند نه تنها رو به کاهش نیست بلکه «ابعادی غول‌آسا» و «هشداردهنده» پیدا کرده است!! این گزارش می‌گوید: «از ۵۰ میلیارد تن شن و ماسه که هر سال برداشت می‌شود چیزی بین ۴ تا ۸ میلیارد تن از اقیانوس‌ها و دریاها بیرون کشیده می‌شود»، به طور متوسط سالی ۶ میلیارد تن که «معادل بار بیش از یک میلیون کامیون در روز است.» گزارش همچنین می‌گوید برداشت رسوبات دریایی به سرعت به میزان رسوبی نزدیک می‌شود که هر سال از رودخانه‌های دنیا وارد دریاها و اقیانوس‌ها می‌شود، «بین ۱۰ تا ۱۶ میلیارد تن»، و با اینکه هنوز به نقطه سرریز نرسیده‌ایم، عوارض آن در برخی مناطق به خصوص در آب‌هایی که بیشتر کف‌روبی می‌شود، به تدریج ظاهر می‌شوند. برداشت رسوبات کف دریا با شناورهای غول‌آسایی انجام می‌شود که به ماشین‌آلات کف‌روبی مجهز شده‌اند که در عمل مثل یک جارو برقی عظیم، هر چه در کف دریا است را بیرون می‌کشند. این شن و ماسه تقریباً در هر روند تولید در دنیا نقش دارند، از جاده و سد و ساختمان، فرودگاه و بندر گرفته تا بتون و شیشه. به گفته این گزارش، شناورهای بزرگ «در اصل با بیرون کشیدن ماسه و ویران کردن ریزارگانیزم‌هایی که غذای ماهی‌ها هستند، کف دریاها را سترون می‌کنند. هنگامی که به محیط زیست دریایی فرصت بازبازی داده نشود، این روند باعث مرگ کف دریا می‌گردد. بعضی وقت‌ها رسوبات تا حد رسیدن به بستر سنگی کف دریا برداشت می‌شوند که یعنی حیات آبیان دیگر نمی‌تواند در آنجا ادامه پیدا کند.» به گفته یونپ، کف‌روبی بیشتر از هر جا در دریای شمال (اروپا)، جنوب شرقی آسیا و ساحل شرقی آمریکا انجام می‌شود و به گفته آرنو فندر فلین پژوهشگر گرید-ژنو، چین، هلند، آمریکا و بلژیک بزرگترین ناوگان‌های کف‌روب دنیا را دارند. گل آلود شدن آب، آلودگی صوتی، آلودگی آب در اثر آزاد شدن سمومی که محصول فعالیت صنعتی هستند و در این رسوبات دفن شده‌اند و نابودی یک زیست بوم غنی و به هم پیوسته از دیگر عوارض ویرانگر کف‌روبی دریاها هستند. مرکز گرد آوری داده‌ها با استفاده از سامانه شناسایی خودکار، تردد کشتی‌ها را به خصوص در دریاهایی که بیرون کشیدن شن و ماسه در ابعاد بزرگ انجام می‌شود زیر نظر می‌گیرد اما این روند فقط حدود نیمی از کشتی‌های دنیا را رصد می‌کند. سرمایه از ابتدا بنا نداشته و هیچگاه قرار نیست که پاسخگوی آن چه بر سر ما کارگران، محیط زیست ما و طبیعت می‌آورد باشد. هنگامی که شالوده هستی سرمایه‌قربانی کردن انسان در پیشگاه سود است، وقتی در روند کار و تولید انسان را از کارش، محصول کارش بیگانه می‌کند قرار نیست و نبوده که به طبیعت، جانوران و محیط زیستشان رحم کند، همه چیز و هم کس می‌بایست در پیشگاه سود و انباشت هر چه انبوه‌تر سرمایه‌قربانی شوند. اما مادام که سرمایه‌داری هست مبارزه طبقاتی جبر زندگی ماست. این مبارزه افول و اوج، مراحل متفاوت شکل‌گیری و آگاهی دارد، شکل‌های مختلف احراز می‌کند، اما در همه این حالات، شکل‌ها، تجلی اعمال قدرت طبقه ما علیه استثمار، ستم، حاکمیت و وجود سرمایه‌داری است. جامعه سرمایه‌داری میدان جنگ‌گریزناپذیر دو طبقه کارگر و سرمایه‌دار است. طبقه‌سومی وجود ندارد. کارگر انسانی است که نیروی کارش را می‌فروشد، با فروش نیروی کار از دخالت در تعیین سرنوشت تولید و زندگی خود ساقط می‌شود. مبارزه توده‌های کارگر علیه فقر، بیکاری، آوارگی، محرومیت از آموزش و دارو و درمان، آلودگی‌های زیست‌محیطی و تبعیضات جنایتکارانه جنسی می‌تواند به دو شکل متضاد انجام گیرد. راه نخست آویختن به نهادهای سرمایه‌داری، توسل به حق اعتصاب، اعتراض، تشکل، تحزب و سندیکاآفرینی است. راه دوم اتکاء رادیکال به قدرت متشکل ضد سرمایه‌داری طبقه خویش است. در حالت اول هر «پیروزی» ضربه‌ای کوبنده بر پویه کارزار ضد کار مزدی است. در حالت دوم هر پیروزی، گامی در تحکیم بنای قدرت پیکار ضد سرمایه‌داری است. راه نخست گمراهه رفرمیسم است، راه دوم مارپیچ پرسنگلاخ اما رهائی‌آفرین مبارزه طبقاتی ضد بردگی مزدی است. قدرت جنگ طبقاتی توده کارگر فقط در جنبش سازمان‌یافته شورائی، سراسری و ضد سرمایه‌داری او متجلی شود و اعمال می‌گردد. این قدرت در هیچ ظرف دیگری امکان به صف شدن ندارد.

کارگران ضد سرمایه‌داری